

شورای راهبردی
روابط خارجی

دلایل موافقت اعضای ناتو با افزایش بودجه

با توجه به تهدید روسیه و افزایش سیاست نظامی گری در جهان، کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که باید در زمینه ایجاد سپر دفاعی واحد در اروپا و تقویت ناتو با آمریکا همکاری کنند؛ از این رو آنها با افزایش پنج درصدی بودجه ناتو در اجلاس اخیر موافقت کردند. تصور می‌شد ترامپ در اجلاس اخیر ناتو در هلند شرکت نکند، اما با حضورش نشان داد در شرایط کنونی، تصمیم‌اش برای کاهش حمایت از ناتو را به تعویق انداخته است. اختصاص پنج درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو به عنوان بودجه ناتو در این اجلاس، تصمیم بسیار مهمی بود که نشان می‌دهد ترامپ از آن مطلع بوده که به این اجلاس آمد. پیش از این، کشورهای عضو ناتو به‌ویژه بعضی از کشورهای اروپایی حاضر به پذیرش این میزان افزایش بودجه ناتو نبودند، اما موافقت با این مسئله نشان می‌دهد که دو طرف از مواضع خود کوتاه آمده‌اند. کشورهای اروپایی علی‌الخصوص آلمان در نهایت به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی نیاز دارند تا ناتو قوی بماند تا به مأموریت‌های خود به‌خصوص در رابطه با امنیت کل اروپا تحت سپر دفاعی واحد بپردازند. این یک پروژه بلندپروازانه است، اما امروز که اروپا با تهدید بسیار جدی از سوی روسیه مواجه است، برای اروپا ضرورت دارد بودجه دفاعی را افزایش دهد. این اجلاس با پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم اسرائیل و از سویی تشدید درگیری‌ها در اوکراین و خاتمه درگیری پاکستان و هند-پاکستان. این تحولات یک نگرانی را در جامعه بین‌الملل ایجاد کرد که نظام بین‌الملل به سمت نظامی شدن هر چه بیشتر حرکت می‌کند و تعداد منازعات در حال افزایش است، از این رو لازم است تا کشورهای جهان سطح آمادگی دفاعی و نظامی خود را افزایش دهند و در همین چارچوب نیز اگر ناتو می‌خواهد کارآمدی خود را حفظ کند، باید تسلیحات بیشتری بخرد. ناتو بر این باور است که باید خود را به فناوری‌های نویسی، کوانتوم و هوش مصنوعی مجهز کند تا بتواند در مقابل روسیه مقاومت کند. پرتاب موشک بالستیک فوارپیمای آراس۲۶ (روز) از سوی روسیه به اوکراین موضوع مهمی است. پرتاب این موشک، تحول مهمی بود، چون نوع ارتقاء یافته موشکی بود که بر اساس پیمان‌های کنترل تسلیحاتی ساخت و استفاده از آن ممنوع بود. این موشک‌ها هم رهگیری شان دشوار است و هم میزان تخریبشان بیشتر است. در این شرایط، ناتو برای اینکه بتواند قدرت خود را حفظ کند نیاز دارد به فناوری‌های جدید دست پیدا کند. اجلاس هلند نشان داد که درباره ضرورت مجهز کردن ناتو به الزامات عصر گسترش درگیری‌های نظامی، نوعی اجماع نظر نسبی شکل گرفته است و پذیرش افزایش بودجه نظامی تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو نیز در همین راستاست. به نوعی این مسئله نشان می‌دهد که تهدید روسیه برای اروپا و ناتو به قوت خود باقی است. سوال این است که نگاه اروپایی‌ها به حفظ ناتو صرفاً برای مقابله با روسیه در مقطع جنگ با اوکراین است؟ هم در روسیه و هم اروپا این باور فراگیر شده است که دیگر رابطه دو طرف به قبل از ۲۰۱۱ باز نمی‌گردد. هم سیاست‌های روسیه این مسئله را نشان می‌دهد و هم برای اروپایی‌ها یک جدایی راهبردی اتفاق افتاده است. از این رو، نگاه ناتو به امنیت منطقه‌ای‌اش بلندمدت است. در پیوند با نظامی شدن سیاست بین‌الملل نیز، استفاده از قدرت زور، مجدداً در حال بازگشت است و تابویی که درباره استفاده از زور و نظامی‌گری وجود داشت، در حال شکستن است. به عبارتی، اروپا هم دارد برای مقابله با روسیه خود را مجهز می‌کند و هم به لحاظ ملی و منطقه‌ای، خود را برای نظامی‌گری بیشتر در سیاست بین‌المللی آماده می‌کند. برخی تصمیمات آلمان، انگلیس و فرانسه برای افزایش توان دفاعی نظامی در سطح ملی نیز حائز اهمیت است، با وجود اینکه هر سه کشور به دنبال گسترش تسلیحات نظامی خود حتی تسلیحات حمل‌کننده سلاح هسته‌ای هستند، اما هر کدام از آنها، مشکلات و مشی خاص خود را دارند که باید جداگانه آنها را بررسی کرد. به‌عنوان مثال، رویکردی که آلمان در این رابطه دارد با رویکرد فرانسه که به دنبال رهبری اتحادیه اروپاست، متفاوت است. در حالی که آلمان و فرانسه عضو اتحادیه اروپا هستند، انگلستان این عضویت را ندارد، ولی در عین حال با ناتو و اهدافش همراهی دارد. نگرانی‌های امنیتی جمعی، مهمترین دغدغه اروپا است که تحت تأثیر حمله روسیه به اوکراین، سیاست‌های ترامپ در قبال اروپا و نیز تحقیرآمیز سیاسی و نظامی ترامپ نسبت به اروپا و نیز نظامی شدن سیاست بین‌الملل به وجود آمده است. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که باید در زمینه ایجاد سپر دفاعی واحد در اروپا و تقویت ناتو اقدام مؤثری انجام‌دهند که این مسئله در اجلاس ناتو در هلند به خوبی خود را نشان داد.

بین‌الملل
INTERNATIONAL

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

در طول دهه آینده، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به گسترش صادرات نفت و گاز خود به بازارهای نوظهور، به‌ویژه در آسیا، ادامه خواهند داد، در حالی که این کشورها در بحبوحه عدم قطعیت تعرفه‌ها به دنبال بازارهای صادراتی جایگزین برای ایالات متحده هستند، اما با وجود این دینامیک‌های تجاری متغیر، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس روابط نظامی و فناوری قوی خود را با ایالات متحده حفظ خواهند کرد. کشورهای نفت‌خیز در شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و عمان) قرار است از تغییر شرکای تجاری جهانی خود بپرهیزند شوند. اگرچه صادرات نفتی و مشتقات آن در حال حاضر بیشتر صادرات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به بازارهای جهانی را تشکیل می‌دهد، اما انتظار می‌رود بخش قابل توجهی از رشد تجارت این کشورها در سال‌های آینده از بخش‌های غیرنفتی حاصل شود. این تغییر بخشی از استراتژی‌های بلندمدت تنوع اقتصادی و تجاری این کشورها (از جمله چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، چشم‌انداز اقتصادی ۲۰۳۰ ابوظبی در امارات متحده عربی و چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ قطر) است که همگی با هدف کاهش وابستگی به تولید نفت و مشتقات آن و تقویت بخش‌های غیرنفتی مانند گردشگری، حمل و نقل و فناوری انجام می‌شوند. در نتیجه انتظار می‌رود حجم تجارت بین کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و کشورهای شرق و جنوب آسیا افزایش یابد. حجم تجارت دو جانبه بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و چین در اواسط دهه ۲۰۱۰ از حجم تجارت بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا پیشی گرفت. اگرچه سطح تجارت شورای همکاری خلیج فارس-چین و شورای همکاری خلیج فارس-اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر به رشد خود ادامه داده است، اما اولی با سرعت بیشتری نسبت به دومی این کار را انجام داده است. این امر عمدتاً به دلیل افزایش تقاضای انرژی از کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال‌های اخیر رخ داده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هرگونه اقدام ایران در مسدود کردن تنگه هرمز، خشم چین را به دنبال خواهد داشت، چراکه چین نخواهد توانست در میانه رویایی امنیتی و اقتصادی با ایالات متحده، بچران انرژی از خاورمیانه را تحمل کند. علاوه بر این، حجم تجارت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با ایالات متحده از اوج خود در اوایل دهه ۲۰۱۰ کمی کاهش یافته است و دلیل این کاهش تغییر رویکرد فرانسه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به سمت چین است.

تنوع بخشی به اقتصاد

در سال‌های اخیر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در راستای استراتژی‌های ایجاد تنوع اقتصادی، روابط خود را با بازارهای نوظهور آسیایی تقویت کرده و در عین حال روابط استراتژیک خود را با ایالات متحده و چین حفظ کرده‌اند. تقاضای فرانسه انرژی از سمت کشورهای شرق و جنوب آسیا، اعراب خلیج فارس را قادر ساخته تا صادرات خود را به این بازارهای رو به رشد افزایش دهند. نفت همچنان اصلی‌ترین صادرات کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است (برای مثال، ۹۰ درصد از صادرات قطر را تشکیل می‌دهند) اما در عین حال، بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس، به غیر از ایران، در تلاشند تا موانع تجاری را به طور گسترده‌تری از طریق روابط نزدیک‌تر تجاری با اقتصادهای در حال رشد سریع آسیا کاهش دهند. به‌عنوان مثال شرکت فعال اعراب خلیج فارس در مذاکرات تجارت آزاد با مالزی، نشانه‌ای واضح از این روند است. چندین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی و امارات متحده عربی، در راستای بخشی از استراتژی‌های تنوع اقتصادی، اصلاحات هم‌راستا با رونق کسب و کار را نیز اجرا کرده‌اند. این اصلاحات اقتصادی و اداری، شیوه‌های تجارت را ساده کرده و موانع تجاری غیرتعرفه‌ای را کاهش داده‌اند. این اقدام تلاشی است برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر و تشویق کسب و کارهای بومی به ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی. علاوه بر این، دولت‌های عربستان سعودی و امارات متحده عربی در داخل کشور در حوزه‌های هوش مصنوعی و فناوری‌های نوظهور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این سرمایه‌گذاری موجب خواهد شد تقاضای این کشورها برای واردات قطعات بسیار تخصصی و فناوری‌های خاص که عمدتاً توسط ایالات متحده و چین تأمین می‌شوند، افزایش یابد. با این حال، این امر موجب شده تا کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز در میانه رقابت رو به رشد فناوری بین ایالات متحده با چین قرار بگیرند. در واقع، گسترش روابط تجاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با چین، گاهی اوقات باعث شده است که ایالات متحده دسترسی آنها را به فناوری‌های حساس و پیشرفته ایالات متحده محدود کند و نگرانی‌هایی را در مورد دسترسی چینی‌ها به چنین فناوری‌هایی از طرف ثالث، مطرح کند. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز فشارهایی را برای همکاری نزدیک‌تر با ایالات متحده و غرب در حوزه فناوری‌های جدید نظیر نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی و سایر بخش‌های فناوری‌های نوظهور، متحمل شده‌اند. در واقع حالا رقابتی بین چین و آمریکا برای جلب توجه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در جریان است.

جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، در روزهای پایانی ریاست‌جمهوری‌اش، مقررات جدیدی را در مورد صادرات تراشه‌های نیمه‌هادی ساخت ایالات متحده که در سیستم‌های هوش مصنوعی استفاده می‌شوند، صادر کرد. این مقررات جدید بسیاری از کشورهای خاورمیانه را با محدودیت در خرید تعداد بالای تراشه‌های هوش مصنوعی از ایالات متحده مواجه کرد. با این حال، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی ایالات متحده، پیش از سفر اخیر خود به خاورمیانه، مقررات دوران بایدن را لغو کرد.

تحلیل
هم‌میهن

بازی هوشمندانه اعراب

کشورهای حاشیه خلیج فارس چطور در میدان نبرد و رقابت قد

آزاد با شرکای تجاری مانند سنگاپور، کره جنوبی و انجمن تجارت آزاد اروپا دارد، اما تضمین این توافقنامه‌ها فرآیندی طولانی و دشوار بوده است. به‌عنوان مثال، مذاکرات برای توافقنامه شورای همکاری خلیج فارس و کره جنوبی که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، تا دسامبر ۲۰۲۳ نهایه نشد. این تأخیر طولانی عمدتاً به دلیل تصمیم شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۰ برای تعلیق مذاکرات جاری تجارت آزاد با چندین کشور بود. این تصمیمی بود که تحت تأثیر بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۹ قرار گرفت. پس از سال‌ها توقف مذاکرات تجاری شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپا و امارات متحده عربی در ماه آوریل توافق کردند که مذاکرات دو جانبه برای امضای یک توافق تجارت آزاد را آغاز کنند. امارات متحده عربی همچنین اخیراً یک توافقنامه تجاری دو جانبه را با فیلیپین نهایه کرده است که انتظار می‌رود در ماه ژوئن امضا شود. هند و عمان نیز در دور نهایه مذاکرات برای یک توافقنامه تجارت آزاد هستند که احتمالاً تا اواخر سال ۲۰۲۵ امضا خواهد شد. تایلند و عربستان سعودی نیز اخیراً مذاکرات توافقنامه تجارت آزاد را آغاز کرده‌اند.

نگرانی آمریکا از نفوذ چین

در میان مدت تا بلندمدت، انتظار می‌رود کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌طور فزاینده‌ای صادرات نفت و گاز خود را به سمت شرق تغییر دهند، زیرا هدف آنها بهره‌برداری از تقاضای رو به رشد در بازارهای نوظهور آسیایی مانند هند است. تقاضای نفت چین از اعراب خلیج فارس، طی سه تا پنج سال آینده ثابت خواهد ماند، اما انتظار می‌رود تقاضای هند از این کشورها همچنان رو به رشد باشد. این روند در حالی رخ می‌دهد که ایالات متحده و کانادا در حال افزایش تولید داخلی نفت و خودکفایی در این حوزه هستند. علاوه بر این، تقاضای نفت از سمت کشورهای اروپای غربی، که به‌طور فزاینده‌ای به انرژی‌های تجدیدپذیر روی می‌آورد، کاهش خواهد یافت. در حالی که کشورهای حاشیه خلیج فارس به دنبال تنوع بخشیدن تدریجی به روابط تجاری و اقتصادی خود هستند، بازار نفت آسیا همچنان فرصت‌های صادراتی زیادی در میان مدت تا بلندمدت خواهد داشت و به این ترتیب همکاری بین اعراب خلیج فارس و این کشورها، در این حوزه تقویت خواهد شد. در تاریخ ۲۳ آوریل، عربستان سعودی اعلام کرد که قصد دارد دو پالایشگاه نفت را در هند بسازد. این تصمیم در راستای بخشی از ابتکارات سرمایه‌گذاری گسترده‌تر عربستان در هند اتخاذ شده است. علاوه بر این، دهلی نو و ریاض برنامه‌هایی را برای همکاری دو جانبه بلندمدت در حوزه انرژی، به‌ویژه برای افزایش عرضه نفت خام و گاز مایع به هند، اعلام کردند. با این حال، اختلاف‌نظر بر سر شرایط، از جمله حجم نفت خام عرضه‌شده توسط عربستان

عربستان سعودی با هدف همسو شدن با استانداردهای جهانی برای ورود به بهترین شیوه‌های تجاری، اخیراً قوانین مالکیت شرکتی خود را برای همسو شدن با دستورالعمل‌های بین‌المللی تعیین شده توسط گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و افزایش شفافیت برای بهبود اعتماد تجارت بین‌المللی برای معاملات، اصلاح کرده است. علاوه بر این، امارات متحده عربی نیز چارچوب‌های قانونی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را بهبود بخشیده است و همین امر منجر به حذف این کشور از لیست خاکستری FATF در سال ۲۰۲۴ شده است. این تحول به زودی سرعت تجارت و معاملات امارات با دیگر کشورهای جهان را به طرز چشمگیری افزایش خواهد داد.

تنوع دادن به شرکای تجاری

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در سال‌های آینده به احتمال زیاد به توافق‌های دو جانبه و انفرادی با سایر کشورها دست خواهند یافت. تا اطلاع ثانوی توافق‌های این بلوک، با دیگر کشورها ممکن نخواهد بود زیرا اختلافات در درون شورای همکاری خلیج فارس احتمالاً مذاکرات در مورد اکثر توافق‌های جدید تجارت آزاد در سطح این بلوک را متوقف خواهد کرد. بسیاری از کشورها، از جمله بریتانیا، هند و کشورهای جنوب شرقی آسیا، مذاکره در مورد توافقنامه‌های تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس را با شروع می‌کنند یا از سر می‌گیرند. با این حال، منافع متضاد و رقابت بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و اختلافات دیپلماتیک با کشورهای خارجی، همراه با ترس از اینکه توافقنامه‌های تجارت آزاد تلاش‌های اخیر برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای توسعه بخش‌های اقتصادی خاص را تضعیف کنند، مانع تلاش‌ها برای به سرانجام رسیدن مذاکرات برای توافقنامه‌های تجارت آزاد در سطح این بلوک با سایر شرکای تجاری شده است. انتظار می‌رود این موانع در چند سال آینده، به‌ویژه با افزایش رقابت میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر سر فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها، ادامه یابد. در نتیجه، به احتمال زیاد، مذاکرات جدید در مورد معاملات تجاری در سطح شورای همکاری خلیج فارس احتمالاً طولانی و با در نهایت متوقف خواهد شد. برای غلبه بر این بن‌بست، کشورهای حاشیه خلیج فارس احتمالاً به دنبال معاملات تجاری دو جانبه جداگانه با کشورهای خارج از منطقه خواهند رفت. ممکن است این توافقنامه‌های تجارت آزاد به طور مستقل و با دردرسر کمتری منعقد شوند اما با توجه به فرآیندهای اغلب طولانی مذاکره و عدم موفقیت موردی آنها، احتمال پیگیری توافقنامه‌های آتی در سطح شورای همکاری خلیج فارس کمتر خواهد بود.

در حالی که شورای همکاری خلیج فارس چندین توافقنامه تجارت

